163

F

نام:
نام خانوادگی:
محل امضا:

«اگر دانشگاه اصلاح شود مملکت اصلاح می‌شود.»
امام خمینی (ره)

صبح جمعه
۱۳۹۵/۱۲/۶
دفترچه شماره (۱)

جمهوری اسلامی ایران
وزارت علوم، تحقیقات و فنّاوری
سازمان سنجش آموزش کشور

آزمون ورودی
دورهٔ دکتری (نیمه‌متمرکز) داخل ـ سال ۱۳۹۶

رشتهٔ امتحانی زبان و ادبیات عرب (کد ۲۱۱۰)

تعداد سؤال: ۱۰۰ | مدت پاسخگویی: ۱۲۰ دقیقه

عنوان مواد امتحانی، تعداد و شماره سؤالات

ردیف	مواد امتحانی	تعداد سؤال	از شماره	تا شماره
۱	مجموعهٔ دروس تخصصی (ترجمه متون ـ صرف، نحو و مهارت‌های زبانی ـ علوم بلاغی(معانی، بیان و بدیع) ـ تاریخ ادبیات عربی ـ نظم و نثر قدیم و جدید عربی)	۱۰۰	۱	۱۰۰

این آزمون نمرهٔ منفی دارد.

استفاده از ماشین حساب مجاز نیست.

اسفندماه ـ سال ۱۳۹۵

ترجمه متون:

■■ عیّن الأصحّ و الأدقّ في الترجمة أو المفهوم أو التعریب (۱ - ۱۲)

۱- **﴿ ينبّأ الإنسانُ يومئذ بما قدّم و أخّر ﴾. عيّن الأقرب لمفهوم الآية الكريمة:**

۱) ﴿ كفى بنفسك اليوم عليك حسيبًا﴾

۲) ﴿ كذلك نقصّ عليك من أنباء ما قد سبق﴾

۳) ﴿ يوم تجد كلّ نفس ما عملت من خير محضرًا﴾

٤) ﴿ فإذا جاء أجلهم لايستأخرون ساعة و لا يستقدمون﴾

۲- **« في الله لكلّ سعة و لكلّ على الوالي حقّ بقدر ما يصلحه!»:**

۱) برای هر وسعت و گشایشی نزد خدا امکانی هست و برای هر والی حقّی هست به‌اندازه‌ای که کارش را به اصلاح آورد!

۲) برای هریک از آنان نزد خدا گشایشی است و هریک را بر والی حقّی هست به‌مقداری که امور آنها را سامان دهد!

۳) در مورد خدا برای همه وسعتی هست و همگی حقّی بر گردن والی دارند به‌مقداری که امور آنها سروسامان گیرد!

٤) در راه خدا وسعت و گستردگی وجود دارد و برای همه حقّی بر دوش والیان قرار داده‌اند به‌اندازه‌ای که کارشان را به اصلاح آورد!

۳- **« ما أنتم إلاّ كإبل ضلّ رعاتها، فكلّما جمعت من جانب انتشرت من آخر، لا يُنام عنكم و أنتم في غفلة ساهون!»:**

۱) شما فقط شبیه شترانی هستید که ساربانان آنها گم شده‌اند، از هر سو جمع‌آوری شوند، از سویی دیگر پراکنده می‌گردند، دشمنان از شما غافل نیستند، درحالیکه شما در غفلت غوطه‌ور هستید!

۲) شما بسان شترانی هستید که ساربان خویش را نمی‌شناسد، از هر سویی جمع می‌شوید، دوباره از سوی دیگر پراکنده می‌گردید، از شما غفلت نمی‌شود اما افسوس که شما از خویشتن غافلید!

۳) شما همان شترانی هستید که ساربان خود را گم کرده‌اند و از هر طرف که گرد هم آیند، از طرفی دیگر پراکنده می‌شوند، کسی از دیگران غافل نیست ولی شما همچنان در غفلت بسر می‌برید!

٤) نیستید شما مگر شترانی که ساربانان خویش را گم کرده‌اید، از هر طرف جمع شوید باز از یک طرف دیگر متفرّق و پراکنده هستید، دشمنان در کمین شما هستند اما شما گویی در خواب غفلت هستید!

٤- **« إنّ المسلمين قد أسندوا إلينا أمرًا بعد أن تقارعوا بالسّيوف و تشاكّوا بالرّماح! »:**

۱) این کار را مسلمانان وقتی به ما سپردند که چه با شمشیر چه با نیزه با هم جنگیده بودند!

۲) این کار را مسلمین به ما ارجاع دادند، چون بر روی یکدیگر شمشیرها کشیدند و نیزه‌ها زدند!

۳) مسلمین بعد از آنکه با شمشیر جنگیدند و بر روی هم نیزه کشیدند، چنین کاری را به ما سپردند!

٤) مسلمانان بعد از آنکه بر روی یکدیگر شمشیرها کشیدند و نیزه‌ها زدند، کاری را به ما واگذار کردند!

۵- « بعث رسولاً إلی هذا الأمیر یتهدّد و یتوعّد و یطلب بعض الحصون المتاخمة له من بلاده! »:

۱) فرستاده را بسمت این حاکم گسیل داشت بهمراه وعده و وعید، و از او دژهایی را می‌خواست که داخل مرزهای کشورش بود!

۲) رسولی را به نزد حاکم گسیل داشت درحالیکه همراه وعد و وعید بود، و از او یکی از قلاع داخل مرزهای کشور خود را می‌خواست!

۳) فرستاده‌ای را به نزد این امیر فرستاد بهمراه تهدید و وعد و وعید و از او بعضی دژهای هم مرز خود از سرزمینش را مطالبه می‌کرد!

۴) رسول خود را بسوی امیر فرستاد درحالیکه تهدید می‌کرد و وعده و وعید می‌داد، و از او قلعه‌های داخل مرز سرزمینش را می‌خواست!

۶- « الحریّة الشخصیّة تعبّر عن تحرّر الإنسان في سلوکه الخاصّ من مختلف ألوان الضّغط و التّحدید، و أنّه یملك إرادته وفقًا لرغباته الخاصّة! »:

۱) آزادی فردی بیانگر رهایی انسان است از هرگونه فشار و محدودیّت در رفتار خاص خود، و اینکه او بر وفق تمایلات خاص خویش حاکم بر ارادهٔ خود می‌باشد!

۲) آزادیهای فردی رهایی انسان را می‌خواهد از هرگونه فشار و محدودیّت در روشهای ویژهٔ خود، و اینکه طبق خواسته‌های خویش مالکیت ارادهٔ خود را احراز کند!

۳) آزادی شخصی رهایی انسان را تأمین می‌کند از هرنوع فشار و محدودیّت در روشهای خاص خویش، چه او بر طبق تمایلات ویژهٔ خود مالک ارادهٔ خویش است!

۴) آزادیهای شخصی بیانگر آزادی فرد است در اعمال خود از هرگونه فشار و محدودیّت، چه انسان بر حسب خواست خود حاکم بر ارادهٔ خویش است!

۷- « فلمّا رأی أن لا قــــرارَ یــُقرّه و أنّ هوی أسمــاء لا بــدّ قاتلُه
ترحّل من أرض العراق مرقّشٌ علی طربٍ، تهوي سراعًا رواحلُه! »:

۱) وقتی دید که هیچ آرامشی او را آرام نمی‌کند و عشق اسماء حتماً قاتل اوست، مرقّش با اضطراب از سرزمین عراق هجرت کرد، درحالیکه شتران سفری و بارکش او سرعت می‌گرفتند!

۲) هنگامی‌که دید آرامش ندارد و دوستی اسماء ناگزیر او را خواهد کشت، مرقّش با نگرانی بسیار از عراق کوچک کرد درحالیکه شترانش دوست داشتند که با سرعت حرکت کنند!

۳) آنگاه که به این نتیجه رسید که هیچ آسودگی در پی او نخواهد بود و دوستی با اسماء قاتل اوست، مرقّش از سرزمین عراق بار سفر بست، اما شتران آهنگ سفری پرشتاب را داشتند!

۴) چون یقین کرد که آرامشی برای او استقرار نمی‌یابد و عشق اسماء عاقبت باعث مرگ او خواهد بود، مرقّش عراق را ترک کرد در حالیکه مضطرب بود و شتران همسفر او در طلب سرعت بیشتر بودند!

۸- « إذا كان حظّي الهجر منكم و لم يكن بِعادٌ، فذاك الهجرُ عندي هو الوصلُ! »:

۱) إذا كان نصيبي منكم الهجر لا أبالي بالوصل، فالبعد خير لي!

۲) إن هجرتموني و لم يكن البعاد، كان ذلك الهجر هو الوصل نفسه!

۳) إن لم يكن نصيبي من هجركم غير الوصل، فلا فرق لي بين القرب و البعد!

٤) إذا تركتم حظّي و هجرتم فلا تبعدون منّي، لأنّ الهجر و الوصل سيّان عندي!

۹- « فلا أنا يأتيني طريفٌ بفرحةٍ و لا أنا ممّا أحدثَ الدّهرُ جازعُ!». عيّن المناسب لمفهوم البيت:

۱) ﴿ إن تَمسسكم حسنةٌ تَسؤهم و إن تُصبكم سيّئة يفرحوا بها﴾

۲) ﴿ حتّى إذا كنتم في الفُلك و جَرين بهم بريح طيّبة و فرحوا بها جاءتها ريحٌ عاصف﴾

۳) ﴿ و إنّا إذا أذقنا الإنسان رحمة فرح بها، و إن تصبهم سيّئة بما قدّمت أيديهم فإنّ الإنسان كفور﴾

٤) ﴿ ما أصاب من مصيبة في الأرض ولا في أنفسكم إلاّ في كتاب... لكي لا تأسوا على ما فاتكم و لا تفرحوا بما آتاكم﴾

۱۰- « فإن مُتّ، فانعَيني بما أنا أهــلُه و شُقّي علــيّ الجَيبَ، يا ابنــةَ معبدِ،
و لا تجعليني كامرئ ليس همُّه كهمّي؛ و لا يُغني غَنائي و مَشهدي!».

عيّن **الخطأ**: لا يحبّ الشاعر أن ....

۱) يقارن بينه و بين من لا يطلب معالي الهمّة كما يطلبها هو!

۲) يسوّى بينه و بين رجل لا يشهد معارك الحرب كما يشهدها هو!

۳) لا تندب عليه بنت أخيه أبدًا، بل تنعاه بما في شأنه و استحقاقه!

٤) تندبه ابنة معبد و تشقّ الجيب عليه فلا يستحقّ الشّاعر بالندبة!

۱۱- « هنگامی‌که خداوند خواست این نشئهٔ انسانی را کمال بخشد تمام حقایق عالم را به او اعطا کرد!»:

۱) لمّا أراد الله كمال هذه النّشأة الإنسانيةَ أعطاها جميع حقائق العالم!

۲) عندما أراد الله الكمال لهذه النّشأة الإنسانية وهب لها الحقائقَ في العالم كلّه!

۳) إذا وقعت الإرادة الإلهية على إكمال هذه النشأة الإنسانية ألهمها كلّ الحقائق في العالم!

٤) حين وقعت إرادة الإلهية على إكمال النّشأة الإنسانية هذه أعطاها حقائق العالم جميعها!

۱۲- « او در کارزار و رویارویی با دشمن بسیار جنگاور است، و اگر قحطی بوجود آید چون بهار کریم و سخاوتمند است! ». عيّن المناسب للمفهوم:

۱) و إنّا المــــطعــمون، إذا قدرنا و إنّا المهلــكون، إذا أبتلينا!

۲) لدى أسد شاكي السّلاح، مُقذّفٍ لـــــه لِبَدٌ، أظــفارُه لم تُقلَّم!

۳) أســــد في اللّقاء وَردٌ هموسٌ و ربــــيعٌ، إن شمّــرت غبراء!

٤) أســــــد غابٍ، فإذا ما فزعوا غيرُ أنكاسٍ، و لا هُوجٍ هُذر!

صرف، نحو و مهارت‌های زبانی:

■■ عیّن الصحیح في الإعراب و التحلیل الصرفي (۱۳ - ۲۰)

۱۳- ﴿ نُودوا أن تلکم الجنّةُ أُورِثتموها بما کنتم تعملون﴾:

۱) نودوا: مبني للمجهول من باب مفاعلة، «أن» تفسیریة ساقطة عن العمل، « تلکم» مشغول عنه و مرفوع محلاًّ علی الابتداء

۲) تلکم: إشارة للبعیدین، حرف الکاف للخطاب و مضاف إلیه، « الجنة» عطف بیان و مرفوع بالتبعیة للمعطوف علیه «تلك»

۳) أُورثتموا: مبني للمجهول من المجرّد الثلاثي، معتل و مثال، و نائب فاعله ضمیر «تم» البارز، و الواو حرف إشباع للضمّة

۴) ها: ضمیر متّصل و مفعول به أوّل لفعل «اورثتم»، «ما» حرف مصدري، و المصدر المؤوّل مجرور بحرف الجرّ، تأویله بکونکم تعملون أو بعملکم

۱۴- « لا تکونوا ممَن یُحیون بدعة قد أُمیتت!»:

۱) مَن: اسم غیر متصرف – موصول عامّ – معرفة / مجرور محلاًّ بحرف الجر، ممَن: جار و مجرور و متعلّقهما محذوف، و شبه الجملة خبر « کان» منصوب محلاًّ

۲) تکونوا: للمخاطبین – معتل و أجوف (إعلاله بالقلب) / فعل مجزوم بحرف « لا» الناهیة و علامة جزمه حذف نون الإعراب، اسمه ضمیر الواو البارز

۳) أُمیتت: للغائبة – مزید ثلاثي من باب إفعال (إماتة) – معتل و ناقص / فعل و نائب فاعله الضمیر المستتر، و الجملة فعلیة و نعت و رابطها الضمیر المستتر

۴) یحیون: للغائبین – مجرّد ثلاثي – معتل و لفیف مقرون – متعدٍّ – مبني للمعلوم / فعل مرفوع و فاعله ضمیر الواو، و الجملة فعلیة و صلة و عائدها ضمیر الواو

۱۵- « **كم من أكلة منعت أكلات!**»:

۱) أكلات: جمع سالم للمؤنّث – مشتق و اسم الهيئة – نكرة – معرب – منصرف / مفعول به و منصوب بالكسرة

۲) كم: اسم غير متصرف (خبريّة) – كناية للعدد – نكرة – مبني على السكون / مبتدأ و مرفوع محلّا، و الجملة اسمية

۳) أكلة: مفرد مؤنث – جامد و اسمُ أو مصدرُ المرّة – نكرة – معرب / تمييز مفرد للمميّز« كم» الاستفهامية و مجرور بحرف « من» الزائدة

۴) منعت: ماضٍ – للغائبة – صحيح و سالم – متعدٍّ – مبني على الفتح / فعل و فاعله الضمير المستتر فيه جوازًا تقديره « هي» و الجملة فعلية و نعت للمنعوت « أكلة»

۱۶- « **إن ينقطع منك الرجاء فإنّه سيبقى عليك الحزن ما بقي الدهر!**»:

۱) الرجاء: مفرد مذكّر – جامد (مصدر) – معرّف بأل – معرب – منصرف / فاعل و مرفوع

۲) ينقطع: مضارع – مزيد ثلاثي (من باب انفعال) – متعدٍّ / فعل شرط و مجزوم و فاعله « الرجاء»

۳) يبقى: للغائب – معتل و ناقص (إعلاله بالإسكان و القلب) / فعل جواب شرط و مجزوم، فاعله « الحزن» و الجملة فعلية

۴) بقي: ماضٍ – مجرد ثلاثي – متعدٍّ / فعل و فاعله « الدهر» و الجملة فعلية و مصدر مؤوّل، و مفعول فيه تقديره « مدّة بقاء الدهر»

۱۷- « **فمثل علاك لم أر في المعالي و لا تاجًا كتاجك في الجلال!**»:

۱) مثل: اسم جامد (غير مصدر) / مفعول به مقدّم على فعله «أر» و منصوب

۲) أر: مزيد ثلاثي من باب إفعال – معتل و ناقص – معرب / فعل مجزوم بحذف حرف العلّة

۳) المعالي: جمع تكسير (مفرده: المعلاة، مؤنث) / مجرور بفتحة مقدّرة بسبب عدم الانصراف

۴) علا: مفرد مؤنث – معرب – مقصور – ممنوع من الصرف / مضاف إليه و مجرور بكسرة مقدّرة

۱۸- « **كنت من كربتي أفرّ إليهم فهم كربتي، فأين الفرار!**»:

۱) الفرار: اسم – مفرد مذكر – مشتق و صفة مشبّهة – معرّف بأل – معرب – صحيح الآخر – منصرف / مبتدأ مؤخر و مرفوع، و الجملة اسمية

۲) أين: اسم غير متصرف من الأسماء الملازمة للإضافة و من أدوات الاستفهام/ ظرف أو مفعول فيه للمكان و متعلّقه محذوف، و شبه الجملة خبر مقدم و مرفوع محلاً

۳) كنت: مجرّد ثلاثي – معتل و أجوف (إعلاله بالحذف) – مبني على السكون / فعل من الأفعال الناقصة و هي من النواسخ، اسمه ضمير التاء، و خبره شبه الجملة « من كربة»

۴) أفرّ: مضارع – للمتكلم وحده – صحيح و مضاعف (إدغامه واجب) / فعل مرفوع و فاعله الضمير المستتر فيه وجوبًا تقديره « أنا» و الجملة فعلية و خبر « كان» و رابطها الضمير المستتر

۱۹- « و أفنى رجالي فبادوا معًا فأصبح قلبي بهم مستفزّا!»:

۱) أصبح: مزيد ثلاثي من باب إفعال / فعل جامد، من الأفعال الناقصة و هي من النواسخ، اسمه «قلب» و خبره شبه الجملة « بهم»

۲) معًا: اسم غيرمتصرف – معرب / حال مفردة و منصوب و عامل الحال « بادوا» و صاحب الحال ضمير الواو فيه

۳) مستفزّا: مفرد مذكر – مشتق و اسم مفعول (مصدره: استفزاز) – معرب – مقصور / خبر لأصبح و منصوب

٤) بادوا: للغائبين – مزيد ثلاثي من باب مفاعلة – معتل و أجوف/ فاعله ضمير الواو البارز، و الجملة فعلية

۲۰- « ما لي أراكم كلّكم قياما الكهل و الشبّان و الغلاما!»:

۱) ما: اسم من أدوات الاستفهام، و مرفوع محلاً على أنّه خبر مقدم، و المبتدأ محذوف و الجملة اسمية

۲) قيامًا: مفرد مذكر – مشتق و صفة مشبّهة، و منصوب على أنّه حال مفردة و عامل الحال فعل «أرى»

۳) كلّ: اسم غير متصرف من الأسماء الملازمة للإضافة و منصوب بالتبعية على أنّه مؤكد لفظي للنسبة

٤) الكهل: صفة مشبّهة، و بدل تفصيل أو تفريع و منصوب إمّا بالتبعية أو على أنّه مفعول‌به لفعل محذوف

■■ عيّن المناسب للجواب عن الأسئلة التالية (۲۱ – ۳۲)

۲۱- عيّن «قد» بمعنى التقليل:

۱) الإعمار قد يطول سنوات و لكنّ التخريب يتمّ في لحظة!

۲) قد خلت هذه القرية من سكّانها، فأصبحت لا زرع فيها!

۳) أُخبرت بأنّه قد وصلت الطالبات و قد تصل الأستاذة!

٤) واجهت في الطّريق كرة، فقد أرى صبايا لاعبين!

۲۲- عيّن <u>الخطأ</u> (في صيغة الفعل):

۱) نِدي في الأرض قدمك!

۲) ما بكِ؟! غُضّي بصرك!

۳) إمضي في الّذي نهجه لكِ!

٤) ما لكِ؟! يُغار عليكِ و لا تغير!

۲۳- عيّن اللام <u>يختلف</u> نوعها:

۱) ﴿ منّاع للخير معتدٍ أثيم﴾

۲) ﴿ سمّاعون للكذب أكّالون للسّحت﴾

۳) ﴿ و علّمناه صنعة لبوس لكم﴾

٤) ﴿ و الّذين هم لأماناتهم و عهدهم راعون ﴾

۲٤- « إشترك في التّصويت ......». عيّن <u>الخطأ</u> للفراغ:

۱) أحدعشر ألفًا من الناخبين!

۲) إثنتاعشرة ألف ناخبة!

۳) إحدىعشرة ناخبة و ألف ناخب!

٤) إثناعشر ألفًا من الناخبات!

۲۵- **عيّن حركة البناء ليست مقدّرة:**

۱) يا فتى؛ أنت اِبدأ و أنا سأُساعدك بكلّ قدرتي!

۲) الطّفل بكى لأنّه كان يحسّ بالوحشة في غياب أمّه!

۳) لا رضى أحبّ من رضى الله، فهو يشمل كلّ رضى!

٤) هذه الكتب القيّمة هي أنيستي ليالي أعاني الاضطراب!

۲۶- **عيّن « الفاعل» ضميرًا مستترًا جوازًا:**

۱) قد نسيت جميع ذكرياتي خلا ما واجهتها في الجامعة!

۲) نعم عيشًا حياتُنا ما أقبل الدّهر علينا فأصبحنا سعداء!

۳) حبّذا الكتاب يعلّم كلّ سطوره درسًا مفيدًا للمتعمّقين في مفاهيمه!

٤) بعد أن طالع مقالات مختلفة ألّف كتابًا قيّمًا في المفاهيم القرآنية!

۲۷- **عيّن الصحيح في المبني للمجهول:**

۱) ألهانا التكاثر حتّى زرنا مقابرنا ←أُلهينا حتّى زيرت مقابرنا!

۲) ألهاهم التكاثر حتّى زاروا مقابرهم ←أُلهيتم حتّى زاروا مقابرهم!

۳) ألهاكم التكاثر حتّى زرتم مقابركم ← أُلهيتم حتّى زارت مقابركم!

٤) ألهاكنّ التكاثر حتّى زرتنّ مقابركنّ ← أُلهين حتّى زيرت مقابركنّ!

۲۸- **عيّن ما يجب فيه تقديم المبتدأ على الخبر:**

۱) إن يطالع دروسه بدقّة فالنّجاح حليفه!

۲) لكلام موجز يفيد خير لنا من سطور مسهبة لا فائدة منها!

۳) لي مئات مجلّد من الكتب و الرسائل المختلفة لم أُطالعها حتّى الآن!

٤) أين الّذي يريد و يسعى فيه مِن الّذي يريد أن يصل إلى مطلوبه دون اجتهاد!

۲۹- **عيّن اسم « أن» ضمير شأن محذوف:**

۱) زعم أنّه قد بايع بيده و لم يبايع بقلبه!

۲) اِعلم أنّ النّصر من عند الله سبحانه و لاغير!

۳) إنّي لأظنّ بكم أن لو حمس الوغى، قد انفرجتم عنّي!

٤) و الله لأظنّ أنّ هؤلاء القوم سيدالون منكم لاجتماعهم على باطلهم!

۳۰- **عيّن النعت السببي:**

۱) وَقُر سمعٌ لم يفقه الواعية!

۲) القرآن أنيق الظاهر و عميق الباطن!

۳) إنّ الخطايا خيل شُمُس حمل عليها أهلها!

٤) أيّها الناس المجتمعة أبدانهم، فِعلكم يُطمع فيكم الأعداء!

۳۱- عيّن الصحيح في المفعول له (على أساس الأصل):

۱) نحن اِنصرفنا عن اِبتياع ما لا يلزمنا اِدّخارًا للمال!

۲) طالعت هذا الكتاب و جمعت آراء مؤلّفه إفادةً منه!

۳) إنّها صادقة في عملها و قولها، فأحترمها حبًّا لخلقها!

٤) بادرنا بتهيئة السلاح الحديث إحاطة العدوّ اللّدود بنا!

۳۲- عيّن الواو للعطف أقرب:

۱) فزت في هذه المباراة أنا و زميلي!

۲) تتجادل بنتك و بنتي حول مسألة صغيرة!

۳) كيف أنت و الأوضاع الحاضرة!

٤) سرنا في الحديقة و الساقية الّتي تجري فيها!

علوم بلاغی(معانی، بیان و بدیع):

■■ عيّن المناسب للجواب عن الأسئلة التالية (۳۳ - ٤۲)

۳۳- عيّن ما يختلف فيه سبب حذف المسند:

۱) ﴿ فاعترفوا بذنبهم فسحقًا لأصحاب السعير﴾

۲) ﴿ فإنّكم و ما تعبدون ؛ ما أنتم عليه بفاتنين﴾

۳) ﴿ لولا أن تداركه نعمة من ربّه لنُبذ بالعراء ...﴾

٤) ﴿ و لئن سألتهم من نزّل من السماء ماء ... ليقولنّ الله﴾

۳٤- ﴿ **إن الذين تدعون من دون الله عباد أمثالكم**﴾: إنّ الغرض من تعريف المسند إليه بالموصوليّة هو ...

۱) استهجان التصريح بالاسم!

۲) التنبيه على خطأ المخاطب!

۳) إخفاء الأمر عن المخاطب!

٤) التنبيه على تحديد المسند إليه!

۳۵- عيّن الخطأ في نوع الإطناب:

۱) ﴿ أمدّكم بما تعلمون أمدّكم بأنعام و بنين﴾ (الإيضاح بعد الإبهام)

۲) ﴿ ذلك جزيناهم بما كفروا و هل نجازي إلّا الكفور﴾ (التكرار)

۳) إن تمّ ذا الهجر يا ظلوم، و لا تمّ، فما لي في العيش من أرَب! (الاعتراض)

٤) يُخبرك من شَهد الوقيعة أنّني أغشى الوغى و أعفُ عند المغنم! (الاحتراس)

۳۶- **عيّن الخطأ في دلالة الجملات التالية:**

۱) ﴿ هل إلى مَردٍّ من سبيل﴾ (ابراز المتمنّى في صورة المستحيل)

۲) لو تتلو الآيات فتشقّ سَمعي (إبراز المتمنّى في صورة الممتنع)

۳) ﴿ لعلّي أبلغ الأسباب، أسباب السماوات فأطّلع إلى إله موسى﴾ (إبراز المتمنّى في صورة الممكن)

٤) يا ليت بيني و بين أحبّتي من البعد ما بيني و بين المصائب! (إبراز المرجوّ في صورة المستحيل)

۳۷- « **دَع المكارم لا ترحلْ لبغيتها و اقعُد، فإنّك أنت الطاعم الكاسي!**». في البيت ....

۱) كمال الاتّصال بين « دع المكارم» و « اُقعد»

۲) كمال الانقطاع بين « دع المكارم» و « لا ترحل لبغيتها»

۳) شبه كمال الاتّصال بين « دع المكارم» و « لا ترحل لبغيتها»

٤) كمال الاتّصال بين « دع المكارم ...» و « لا ترحل...»

۳۸- **عيّن الاستعارة التمثيلية:**

۱) علا فما يستقرّ المالُ في يده و كيف تمسك ماءً قُنّةُ الجبل!

۲) متى يبلغ البنيان يوماً تمامه إذا كنت تَبنيه و غيرك يهدمُ!

۳) رحلت فكم باكٍ بأجفان شادنٍ عليَّ، و كم باكٍ بأجفان ضيغمٍ!

٤) و أقبل يمشي في البساط فما درى إلى البحر يسعى أم إلى البدر يرتقي!

۳۹- **عيّن ما ليست فيه الاستعارة التبعية:**

۱) ﴿ اليوم نختم على أفواههم﴾

۲) ﴿ فليدعُ ناديَه سندعُ الزّبانية﴾

۳) ﴿ فإذا هم من الأجداث إلى ربّهم ينسلون﴾

٤) ﴿ و آية لهم اللّيل نسلخ منه النهار فإذا هم مظلمون﴾

٤۰- **عيّن ما ليس فيه المجاز المرسل:**

۱) ﴿ فليدعُ ناديَه سندعُ الزّبانية﴾

۲) ﴿ ... و يجعل لكم جنّات و يجعل لكم أنهارًا﴾

۳) ﴿ و كأيّن من قرية عتت عن أمر ربّها و رسله ...﴾

٤) ﴿ يوم تشهد عليهم ألسنتهم و أيديهم و أرجلهم ...﴾

٤۱- « **و تعظم في عين الصغير صغارها و تصغر في عين العظيم العظائم**». **عيّن الخطأ عمّا في البيت:**

۱) العكس ۲) تشابه الأطراف ۳) المقابلة ٤) ردّ العجز على الصدر

٤۲- « **يا رسول الله لو عاينتهم و هم ما بين قتلى و سبا**

من وميض يمنع الظلّ و من عاطش يسقى أنابيب القنا!». في البيتين ....

۱) الجمع ۲) التفريق مع الجمع

۳) التقسيم ٤) الجمع مع التفريق و التقسيم

تاریخ ادبیات عربی:

■■ عيّن المناسب للجواب عن الأسئلة التالية (۴۳ - ۷۷)

۴۳- عيّن الصحيح عن الشعر الجاهلي:

۱) يخلو الشّعر الجاهلي من المنطق و الترتيب العقلي!

۲) كان أُسلوب القصيدة الجاهلية معقّدًا يخلو من الفطرة و البداهة!

۳) أخيلة الشّعر الجاهلي واسعة المجال و صوره الشعرية بعيدة المتناول!

۴) لم تكن للشّاعر الجاهلي منزلة في قبيلته لأنّ العرب كانوا يعتقدون أنّ لكلّ شاعر شيطانًا يوحي إليه شعره!

۴۴- عيّن الصحيح عن شعراء العصر الجاهلي:

۱) وُلد عديّ بن زيد في الحيرة و نشأ فيها و تعلّم العربية و الفارسية!

۲) كان « زهير بن أبي سلمى» يتردّد إلى بلاط المناذرة في الحيرة و كان شاعرهم!

۳) كان «عنترة بن شدّاد» شاعرًا من الصّعاليك، حادّ البصر و السّمع و أصبح طول عمره عدوًّا لبني هُذيل!

۴) كان «طرفة» من المعمّرين شارك في حرب البسوس و له معلّقة مطلعها:

أبا هند فلا تعجل علينا　　　و أنظرنا نخبرك اليقينا!

۴۵- عيّن الصحيح للفراغ:

إنّ ... شاعر من أصحاب المعلّقات نشأ يتيمًا و لقي من أعمامه ظلمًا. قتل و هو ابن ستّ و عشرين سنة!

۱) إمرأ القيس　۲) طرفة بن العبد　۳) لبيد بن ربيعة　۴) عنترة بن شدّاد

۴۶- عيّن الصحيح: كعب بن زهير شاعر أوسي فمن ميزات أُسلوبه الشعريّ ....

۱) الاهتمام بالخيال و العواطف القلبية!　۲) سيطرة الحسّ في وصف الأشياء!

۳) الاستهلال بالغزل في أوّل القصيدة!　۴) كثرة الألفاظ و المعاني الجديدة و المصنوعة!

۴۷- عيّن الصحيح: من أهمّ أسباب إيجاد الغزل الإباحيّ في الحجاز هو ......

۱) خطّة الأمويّين لصرف النّاس عن السياسة!

۲) كثرة الأموال و وفرة الثّروة بين أوساط الشّعب!

۳) إنتشار المغنّين و المغنّيات و تشكيل نوادي الغناء!

۴) إنتماء الناس إلى الزّهد و التصوّف للهروب من النوائب!

۴۸- عيّن الصحيح فيما يتعلّق بالشّعر السياسي في عهد بني أُميّة:

۱) أنكر الموالي على بني أُميّة جعلهم الخلافة وراثة فيما بينهم دون سائر قريش!

۲) شعراء الخوارج كانوا نفعيّين يمدحون الملوك طمعًا في عطائهم أو خوفًا من عقابهم!

۳) حارب الخوارج الأرستقراطية الجنسية أو القبلية و دعوا إلى المساواة الإسلامية؛ و من شعرائهم عمران بن حطّان!

٤) ذهب الزبيريون إلى أنّ الخلافة حقّ مشترك و دعوا إلى المساواة الإسلامية، و من شعرائهم الطرماح ابن حكيم!

۴۹- عيّن الصحيح للفراغ:

إنّ ... شاعر النضال الأدبي، كانت ميزة الهجاء الأُولى عنده الفخر، و كان الفخر أقوى سلاح له. لشعره قيمة تاريخية لما حوى من معلومات عنه و عن قومه و عن أُميّة. كان مدحه صورةً لنزعته الجاهلية و بيئته الأموية!

۱) الحطيئة ۲) الفرزدق ۳) الأخطل ٤) الكميت الأسدي

۵۰- عيّن <u>الخطأ</u> في التّشابه و التّفارق بين الأخطل و الفرزدق و جرير:

۱) ثلاثتهم من شعراء النّقائض، لكنّ الغزل في شعر الأخطل جعله متميّزًا عن الآخرين!

۲) كلّ منهم يهجو الآخر، و الأخطل كان مسيحيًّا و الفرزدق مسلمًا و الآخر مال إلى ابن الزبير!

۳) لثلاثتهم أشعار سياسية و سمّي الأوّل بشاعر البلاط و الثاني بشاعر الفخر و الثالث بشاعر العاطفة!

٤) كلّهم كانوا من وسائل إعلام زمانهم، و كان الأخطل لسان التّغلبيّين و الثاني التّميميّين و الثالث القيسيّين!

۵۱- ماهي عناصر الشعر الثلاثة عند الجاحظ؟

۱) البيئة، البلاغة، اللّفظ ۲) الإطناب، الإيجاز، البلاغة

۳) الغريزة، البيئة، العرق ٤) اللّفظ، المعنى، الوجوه البيانية

۵۲- عيّن الصحيح: الجاحظ و ابن قتيبة من روّاد المنهج ...

۱) اللغوي! ۲) الكلامي! ۳) الفلسفي! ٤) الموازني!

۵۳- قال ابن الأثير: « أراد البحتري أن يشعر فغنّى!». عيّن الصحيح في مناقشة الكلام:

۱) شعر البحتري قويّ المضمون كثيرالصنعة قويّ الزخرفة و الوشي!

۲) رجّح الشاعر كفّة المعنى فجاء بمضامين حيث إنّ المخاطب يطرب حين يسمع!

۳) عني الشاعرعناية خاصّة بالملاءمة بين اللّفظ و المعنى حيث جعل اللّفظ صورة ناطقة للمعنى!

٤) كان البحتري شاعر الطّرب، فالمغنّون اختاروا شعره لمّا وجدوا فيه من المضامين الغنائية تفيدهم في الغناء!

۵٤- عيّن الصحيح في إنتساب الكتب النقدية التالية إلى مؤلّفيها:

۱) المثل السائر لضياء الدين ابن أثير / نقد النثر لابن سلام الجمحي

۲) جمهرة أشعار العرب لأبي زيد القرشي / الشعر و الشعراء لابن رشيق

۳) طبقات فحول الشعراء لأبي هلال العسكري / نقد الشعر لقدامة بن جعفر

٤) عيار الشعر لابن طباطبا / الوساطة بين المتنبي و خصومه للقاضي الجرجاني

۵۵- **عیّن الخطأ:**

۱) الشعر في مذهب الصنعة زخرفة و تنميق!

۲) الشّعر في رأي أصحاب مذهب التصنيع ترصيعٌ و بديع!

۳) النقد الأدبي في العصر العباسي تجاوز حدود الذوق إلى التعليل و التفسير!

۴) عالج النقد في العصر العباسي قضية المطبوع و المصنوع و اللّفظ و المعنى!

۵۶- **عيّن الخطأ حول «التجديد» في الشعر العبّاسي!**

۱) القصد منه في هذا العصر هو تغيير الرؤية بتاتًا و النّزوع ممّا كانوا عليه!

۲) لم يعن المؤرخون منه أمرًا إيجابيًّا يغيّر تقاليد المجتمع تغييرًا جذريًّا يزيل سيّئاته!

۳) المجدّدون في هذا العصر جمعوا بين التقليد و التّجديد، فلا تجد شاعرًا مجدّدًا بحتًا!

۴) الغرض منه هنا هو « حدوث شيء لم يكن» و هذا أمر يمكن أن نجده في كلّ العصور!

۵۷- **عيّن الصحيح عن «أدب الحركة المعاكسة»:**

۱) تدرّج الأدب نحو الزخرف إلى حدّ الإغراق في الصّنعة!

۲) رجع الأدب إلى القديم و هذا الرجوع متأثّر بالحركة الرجعية الّتي سبقته!

۳) تغطّي هذه الفترة من فجر العهد العباسي إلى أوائل القرن الثالث الهجري!

۴) مال الشعراء إلى التقليد القديم و قد ظهرت في شعرهم آثار العقلية اليونانية!

۵۸- **عيّن الصحيح فيما يتعلّق بأبي العلاء المعري:**

۱) مهّد سبيل الشعر العقلي لأبي تمّام!

۲) كان سيف الدولة معجبًا بمحاسنه و أعماله!

۳) كتب رسالته «الدرعيّات» ليبيّن للناس سعة عفو الله على لسان ابن القارح!

۴) إنتقد كثيرًا من العلماء في الأخبار الدينية و هو يفعل ذلك بتهكّم مرّ شديد!

۵۹- **شاع الغموض في شعره و كان إذا اعترض عليه أحد و قال له: « لماذا تقول ما لم يفهم؟» يجيب: « لماذا لا تفهم ما يُقال؟» ... على من يصدق؟**

۱) المعرّي ۲) البحتري ۳) أبي تمّام ۴) المتنبي

۶۰- **عيّن الخطأ عن بشّار بن برد:**

۱) قيل إنّ بشّارًا قد تصدّى لجرير بالهجاء كي يردّ عليه، و لكنّ جريرًا لم يلتفت إليه!

۲) كان بشّار صلة بين العهدين القديم و الجديد و هو أوّل من خرج عن سنّة التقليد الأعمى!

۳) هناك نقطة خطيرة في تجديد بشّار، و هي أنّه أنزل الشّعر العربي من الطبقة الأرستقراطية!

۴) «الزّهديات» هو العنوان الذي أُطلق على تلك القصائد الّتي قالها بشّار في أُخريات عمره و تظهر فيها نزعته الشّعوبية!

٦١- **عيّن الصحيح للفراغ:** إنّ ... كان رأس الطبقة النثرية الّتي امتازت كتابتها في العصر العباسي بالوشي و الزخرف و الموازنة بين الجمل و الميل إلى الترادف و الإطناب، و عرف بالجاحظ الثاني!

١) الخوارزمي ٢) ابن العميد ٣) ابن الزيّات ٤) بديع الزمان الهمذاني

٦٢- **عيّن الصحيح للفراغ:** إنّ ... يمثّل صور الانتقال من الأدب الأموي إلى الأدب العبّاسي في الأندلس و له رسالة هزليّة ينحو نحو الجاحظ في رسالة التربيع و التدوير!

١) ابن شهيد ٢) ابن زيدون ٣) ابن عبدربّه ٤) المعتمد بن عبّاد

٦٣- **قال ابن شُهيد متكلّما عن شعر عصره:** « ليس لسيبويه فيه عمل و لا للفراهيدي إليه طريق». كيف تعلّل ذلك؟

١) لأنّه قد شاعت العاميّة في الشعر الأندلسي شيوعًا كبيرًا!

٢) لأنّ لغة الأندلسيين أكثر استحكامًا من لغة المشارقة!

٣) لأنّه ظهرت في الشّعر الأندلسي نزعة إبداعية قصصيّة تستقرئ تاريخ الموصوف!

٤) لأنّ الشّاعر الأندلسي إقتبس الكثير من الفلسفة و المنطق فكانت معانيه الشعرية عميقة!

٦٤- **عيّن <u>الخطأ</u>:**

١) شعر الاستغاثة من فنون الشعر الّتي استحدثها شعراء الأندلس!

٢) للمشارقة فضل السبق إلى شعر الحنين و الأندلسيون قد تقدّموا عليهم فيه!

٣) كان شعراء المشرق قد سبقوا إلى شعر الاستنجاد، و الأندلسيون قد فاقوهم فيه كمًّا و كيفًا!

٤) أكثر الشعراء الأندلسيّين لهم أشعار في رثاء مدنهم حتّى صار رثاء المدن و الممالك فنًّا شعريًّا قائمًا بذاته!

٦٥- **عيّن <u>الخطأ</u> في أسباب ضعف الكتابة في عصر الانحطاط:**

١) فساد الذّوق و الاهتمام بتأليف الكتب الموسوعية العامّة!

٢) ضعف الملكات و المواهب بشيوع العجمة و العيّ!

٣) محاربة هذا العصر للثقافات العقلية من فلسفة و منطق!

٤) العزلة الّتي عاش فيها الأُدباء و عدم رحلات إلى خارج البلاد!

٦٦- **ماهي أدلّة طه حسين على أنّ الشّعر الجاهلي منحول؟**

١) لأنّه لا يمثّل الحياة الجاهلية و لا اللّغة العربية و لا اللهجات العدنانية!

٢) لأنّه قد نُقل عن طريق رواة اتّخذوا الرواية وسيلة للارتزاق و إثارة العصبية!

٣) لأنّه تفسير و تزيين للقصص و منتسب إلى رواة يدعون إلى المباهاة و المفاخرة!

٤) لأنّه منتسب إلى شعراء غير معروفين، و يقوّي المنافسات السياسية و المفاخرات القبلية!

٦٧- **عيّن الصحيح:**

١) اِشتهر إبراهيم ناجي بشاعر الوطنية اللبنانية و القوميّة العربية!

٢) يُعرف بشّارة الخوري بالأخطل الصّغير و اشتهر بشاعر المرأة و الخمر!

٣) كان أحمد زكي أبو شادي متحرّرًا في شعره و تفكيره و أُسلوبه و اشتهر بالتشاؤم!

٤) اِلتحق إبراهيم طوقان بمدرسة أبولّو و سار في شعره مسارًا مهجريًّا و له ديوان عنوانه « ليالي القاهرة»!

۶۸- **عيّن الصحيح:** أخذ أحمد شوقي عن كلّ أديب أفضل ما عنده، فعلى سبيل المثال عن ......

۱) امرئ القيس وصفه و بكاءه للمحبوبة! ۲) أبي تمّام المعاني الرفيعة والأمثال و الحكم!

۳) أبي نواس خياله و عواطفه العذرية! ۴) البحتري المفاهيم و الحكمة و ضرب الأمثال!

۶۹- **قال جبران خليل غاضبًا: « لكم نعتكم و لي نعتي ... لكم منها القواميس و المعجمات و المطوّلات، و لي منها ما غربلته الأذن و حفظته الذّاكرة من كلام مألوف ... لكم منها الرثاء و المديح و لي منها ما يتكبّر عن رثاء من مات و يأبى مديح من يستوجب الاستهزاء ...». ماذا تفهم من هذه العبارات؟**

۱)هاجم جبران اللّغة العربية و يدعو إلى الكتابة بالإنجليزية!

۲) هذه ثورة عامّة على اللّغة و أساليبها في الشّعر و النثر جميعًا!

۳) حاول جبران أن يواجه الحركة الّتي نشأت في مصر على يد البارودي!

۴) يعترف جبران و هو غاضبٌ بأنّه لم يبرع الكتابة العربية و لم يصل إلى ما وصل القدماء إليه من الفنّ و البراعة!

۷۰- **عيّن الخطأ في المقارنة بين شوقي و جبران خليل جبران:**

۱) كان جبران ينكر الوطنية و يحبّذ إمحاء الممالك و الأمم، خلافًا لشوقي!

۲) أوسع شوقي صدره – خلافًا لجبران – لجميع الديانات، لكنّه كان متمسّكًا بدينه!

۳) كان شوقي بين القديم و الجديد، ولكنّ جبران ثائر على القديم و مائل إلى الجديد!

۴) كلاهما مرّ بمراحل: التقليد و الانتقال و التجديد، لكنّ ميزة جبران الإبداعيّة أشدّ و أقوى!

۷۱- **عيّن الصحيح:** إنّ منهج سليمان البستاني في مقدّمته لترجمة « الإلياذة» لهوميروس منهج .....

۱) لغوي! ۲) نفسي! ۳) إجتماعي! ۴) مقارن!

۷۲- **عيّن الصحيح:** إنّ المنهج الفنّي في النقد الأدبي هو منهج نقدي ينظر في ....

۱) مدى إستخدام الصنائع البديعية، و الوجوه البيانية!

۲) ما في الأثر من الوجوه البيانية، كالمجاز و الكناية!

۳) نوع الأثر، قصيدة هو، أم أقصوصة، أم رواية ....!

۴) ما في الأثر من الصنائع اللفظية و أثرها في تجميل الكلام!

۷۳- **عيّن الخطأ في المنهج النّفسي:**

۱) بيان تأثّر المتلقّي بالأدب!

۲) معرفة سيرة المؤلّف لفهم إبداعه!

۳) نظريّة الانعكاس و الايدئولوجية!

۴) العامل الشعوري المتشكّل من خلال عمليّة الإبداع!

۷۴- عيّن الصحيح عن التّيّار الرّومنطيقيّ و زعيمه عند العرب:

۱) أراد أن يتوجّه إلى الحياة كما هي و يعالج قضاياها/ نزار قبّاني!

۲) طُبع بطابع الذّاتية و الفرديّة و التّأمليّة و الرّوح الغيبيّة/ إلياس قنصل!

۳) هو التّعبير عن الأمور بالتّلميح يخالف سنّة الشّعر المألوف/ بشر فارس!

٤) قد انبثق من ويلات الحرب، مظهره الرّجوع إلى الماضي و اللّواذ إلى الطّبيعة/ خليل مطران!

۷۵- عيّن <u>الخطأ</u> عن خصائص المدرسة الرمزية:

۱) عُرف الشّاعر السّوري «أدونيس» بزعيم الرمزية في الأدب العربي!

۲) جاءت المدرسة الرمزية كردّ فعلٍ عنيف على أُسلوب الفكر العادي!

۳) المذهب الرمزي أو الإيحائي هو التعبير عن المعاني الكامنة في النّفس الّتي لا تستطيع اللغة المعتادة الكشف عنها!

٤) ظهرت طلائع الاتّجاه الرمزي في الأدب الألماني على يد «جيتة» و في الأدب الأمريكي على يد «إدجار آلان بو»!

۷٦- عيّن الصحيح عن مدرسة المتطرفين:

۱) حاولت التجديد على أساس الأدب العربي القديم و قد بقي التجديد عندها ضعيفًا!

۲) حاولت التجديد متأثرة بالغرب و قد غلبت عليها أولاً النزعة الواقعية ثمّ نزعة رومانطيقية!

۳) إستعارت من شعراء الغرب معارض التفكير و الشعور و قد نزعت أوّلاً نزعة رومانطيقية ثم نزعة رمزية!

٤) نزعت إلى توجيه الشّعر نحو الفنّ الصّحيح و التّطلّع إلى الناحية الإنسانية، و من أشهر شعرائها عمر أبو ريشة و سعيد عقل!

۷۷- عيّن الصحيح فيما يخصّ بالمدارس الأدبية:

۱) جاءت المدرسة الرومانسية في القرن العشرين كردّ فعل على الواقعية!

۲) جاءت المدرسة الرمزية حيث شعر الأُدباء بسقم الاتّجاه الرومانسي!

۳) بدأت الوجودية في بداية الأربعينات من القرن العشرين و المحور الأساس فيها هو الالتزام في الأدب!

٤) دعت السريالية إلى مفهوم جديد للصّلة بين الإنسان و الكون و بين الفرد و الجماعة و ناضلت من أجل حقوق الإنسان!

نظم و نثر قدیم و جدید عربی:

■■ اِقرأ النصوص التالية (ألف – ب – ج – د – هـ) ثمّ أجب عن الأسئلة (۷۸ - ۱۰۰) بما يناسب النصّ:

ألف (۷۸-۸۰)

﴿ هل أتاك حديث الغاشية وجوه يومئذ خاشعة عاملة ناصبة تَصلى نارًا حامية تُسقى من عين آنية .... فيها عين جارية فيها سرر مرفوعة و أكواب موضوعة و نمارق مصفوفة و زرابيّ مبثوثة﴾

۷۸- **عيّن الصحيح:** الغرض من ....

۱) زرابي مبثوثة = وسادة مبسوطة
۲) نمارق مصفوفة = أسِرّة منظّمة
۳) عين آنية = ماء موجود في اللّحظة
۴) حديث الغاشية = الكلام الّذي فيه لُبس

۷۹- **عيّن الخطأ:**

۱) المقصود من الخاشعين هم الّذين يخافون من ربّهم!
۲) ليس أهل النّار من المتنعّمين في الدنيا، بل ربّما من الكادحين!
۳) بعض ممّن يدخل النّار هو الّذي يجتهد في الدنيا و يجاهد فيها!
۴) مقاعدهم و مجالسهم لم تلصق بالأرض، بل ارتفعت و فاقت الأرض!

۸۰- **من ميزات ظاهرة الغاشية:**

۱) إذا وقعت لا نجد فيها الطّريق الأوسط!
۲) لم يكن شيء إلاّ و لها عليه إستيعاب!
۳) فيها صفات و حالات لا تتغيّر أبدًا فكأنّها خالدة!
۴) هناك حالات و أعمال لايتصرّف الإنسان فيها بنفسه!

ب (۸۱-۸۳)

و قد كان من انتشار حبلكم و شقاقكم ما لم تغبوا عنه، فعفوت عن مجرمكم و رفعت السّيف عن مُدبركم و قبلت من مُقبلكم. فإن خطت بكم الأمور المردية و سفه الآراء الجائرة إلى منابذتي و خِلافي فها أناذا قد قرّبت جيادي و رحلت ركابي؛ و لئن ألجأتموني إلى المسير إليكم لأوقعنّ بكم وقعة لا يكون يوم الجمل إليها كلعقةِ لاعق مع أنّي عارف لذي الطّاعة منكم فضله و لذي النّصيحة حقّه غير متجاوز متّهمًا إلى بريء و لا ناكثًا إلى وفيّ!

۸۱- **كيف كان الإمام يقيّم هذه الجماعة من البصريّين؟**

۱) إذا وقعت الحرب يشتغلون بها كلعقة لاعق!
۲) هؤلاء اِنشقّوا متعامين لا يعرفون مغبّة ما قاموا به!
۳) ليسوا منحازين فمنهم مارق و منهم شاهر السّيف!
۴) يراهم رمادية، فيهم محسن و مسيء و عالم و جاهل!

۸۲- عيّن الصحيح:

۱) إذا حدث ما حدث يصاب حابلهم و نابلهم!

۲) دارت الدّنيا بهؤلاء المنشقّين فرأى كلّهم جزاء ما عملوا!

۳) أخذ الانفصاليّون يخالفون و يهيّئون للشّقاق و يشهرون السّيف!

٤) قد يكون بعض من ذوي الفضل في ما بين هذه الجماعة من البصريّين!

۸۳- عيّن الخطأ:

۱) هؤلاء الانفصاليّون لم يكونوا أقوى و أشدّ من سابقيهم!

۲) بعض من هؤلاء المعاندين قد تخلّوا عن عنادهم و شقاقهم!

۳) كان العناد و الرّفض عند البصريّين معلومًا لم يحتج إلى الإثبات!

٤) كان الإمام هَيّأ جيشه و رحل مركبه و بدأ يتحرّك نحو الانشقاقيّين!

ج) (۸٤-۸۹)

و قد أنشد الشاعر الحُصين بن الحُمام المُرّي الّذي عاش في العصر الإسلامي:

۱- و قافيةٍ غيرِ اُنسيّةٍ	**قرضتُ من الشّعر أمثالَها،**
۲- شَرودٍ تَلمَعُ في الخافِقينِ	**إذا اُنشدت قيل: مَن قالَها؟**
۳- و حيرانَ لا يهتدي بالنّهار	**من الظّلْع يتبع ضُلّالَها،**
٤- و داعٍ دعا دعوةَ المُستغيث	**فكنتُ كمن كان لبّى لها،**
٥- إذا الموت كان شَجًا في الحلوق	**و بادرت النفّسُ أشغالَها،**
٦- صبرتُ و لم أكُ رعْديدةً	**و للصّبر في الرّوع أنجى لَها،**
۷- و يومٍ تَسعّر فيه الحروبُ	**لبستُ إلى الرّوع سربالَها،**
۸- مُضعّفةَ السَّرد عاديّةً	**و عَضْبِ المَضارب مفصالَها،**
۹- و مُطّرِدًا مِن رُدَينيّةٍ	**أذودُ عن الوِردِ أبطالَها!**

۸٤- عيّن البيت الذي يتكلّم الشّاعر عن كيفيّة الدّرع الّتي لبسها؟

۱) الثامن ۲) السابع ۳) السادس ٤) التاسع

۸٥- ما هي ميزة هذه القصيدة الكلاميّة الّتي أنشدها الشّاعر؟

۱) تذود عن الأبطال!

۲) هي تحرّض السّامعين للقتال!

۳) تجيب دعوة المستغيث!

٤) ما أنشدها خارجة عن طاقة البشر!

۸۶- **عيّن الخطأ:**

۱) شهرة هذه القصيدة قد تلألأت في شرق العالم و غربه!

۲) هذه القصيدة المنشودة لا تماثلها ما أنشدها في ما قبلُ!

۳) لم يكن الشّاعر عجولاً، بل يعتقد أنّ لكلّ ثمرة وقتًا لإيناعها!

٤) صاحب هذه الملفوظات يتمتّع بقوة شعريّة كما يتجسّد صنديدًا من الصّناديد!

۸۷- **عيّن الخطأ:** من مواصفات الشاعر أنّه ....

۱) كان صنديدًا! ۲) لم يكن جبانًا!

۳) كان مستغيثًا! ٤) صاحب كم قريضٍ!

۸۸- **ماذا يقوم به الشّاعر عند اشتداد الحرب؟**

۱) يأخذ رمحًا ردينيّة لينتظر هجوم المحاربين!

۲) يلبس لباس الحرب و يجعل نفسه مهيّأ للقتال!

۳) يلوذ بالصّبر لأنّه من أسباب نجاته من الهلكة!

٤) يمنع أبطال الحرب من شرب الماء لشدّة قتاله معهم!

۸۹- **عيّن الصحيح في ترجمة المصارع التالية:**

۱) صبرت و لم أك رعديدة = لم أكن عجولاً و ما كنت كالرّعد حين يرعد!

۲) و عضب المضارب مفصالها = كالجماعة الضّاربة الّتي تقطع المفاصل و أعضاء الجسم!

۳) و حيرانَ لا يهتدي بالنّهار = و هناك متحيّرون لا يعرفون النّهار فخلطوا بين اللّيل و النّهار!

٤) شرود تلمع في الخافقين = قصائد مشهورة سائرة على الألسن لها شهرة في الشّرق و الغرب!

د (۹۰-۹۵)

و أنشد المتنبّي مخاطبًا أمير البلاد:

۱- واحـــرَّ قلبـــاهُ ممّن قلـــبه شَبِـمُ و من بجسمي و حالي عنده سَقَمُ!

۲- قد ناب عنك شديدُ الخوف و اصطنعت لك المهابةُ ما لا تصنــــع البُهَمُ!

۳- أنام ملءَ جفوني عـــن شـــواردها و يسهر الخلـــقُ جَرّاها و يختصمُ!

٤- و جاهلٍ مـــدَّه في جهلـــه ضَحِـكي حتّى أتتـــه يدٌ فرّاســـةٌ و فـــمُ!

٥- و مُهجةٍ، مهجتي من همّ صاحبـــها أدركتُها بجـــواد ظهـــرهُ حَـــرمُ!

٦- و شرُّ ما قَنَصته راحتـــي قَنـــصٌ شُهب البُزاة سواءٌ فـيه و الرَّخَمُ،

۷- بأيّ لفـــظ تقـــول الشّـعر زِعنِفةٌ تجوز عنـدك، لا عُربٌ و لا عجمُ،

۸- هـذا عتابُـــك! إلاّ أنّـــه مِقـــةٌ قــد ضُمّن الدُّر، إلاّ أنّـــه كَلِـمُ!

۹۰- عیّن الخطأ:

۱) الآخَر لا يحاسَب و لا يُحفل به فإنّه لا قيمة له في حُسبان الشاعر!

۲) ما ظهر في هذه الأبيات هو نزعة من النّزعات النّرجسيّة!

۳) يعتقد الشّاعر أنّه بكلامه يظهر آلامه و أحزانه!

٤) إنّ ظاهر كلام الشّاعر لا يساوي ما يقصده!

۹۱- في أيّ بيت يشتكي الشّاعر من عمل الأمير حيث ساوى في العطاء بين الشاعر و بين الآخرين:

۱) الثاني ۲) الخامس ۳) السادس ٤) الثامن

۹۲- في أيّ بيت يتكلّم الشاعر عن قدرته الشعرية الفريدة؟

۱) السابع ۲) الرابع ۳) الثالث ٤) الثامن

۹۳- عيّن الصحيح في ترجمة البيت الخامس:

۱) ربّ شخص همّه قتلي و أنا قد أدركت هذا بفرس من ركبه أمن من أن يلحق!

۲) حياتي رهينة هموم أقربائي و قد حصلت على هذه الحياة بمركب فريد لا يركبه أحد!

۳) و ما في عروقي من الدّم هو من أحزان أصحابها و أنا قد وصلت إلى هذا بمركب و وسيلة لا يشابه المراكب الأُخرى!

٤) و هناك روح قد امتزجت هموم صاحبها مع روحي و دمي و قد أوصلت نفسي إليها بمركب كان ظهره أمنًا لا يسقطني!

۹٤- كيف يصف الشّاعر مخالفيه؟

۱) أشدّاء جبناء يسهرون اللّيالي فهم يساوون بين العرب و بين العجم!

۲) أولئك لا يميّزون بين العرب و غيرهم فيزعمون غيرهم أُصيبوا بالجهل!

۳) هؤلاء جهلة مرضى لا يعرفون شيئاً من الحياة اللّهم إنّهم يدّعون البطولة!

٤) هم سفلة ينخدعون لكنّهم في نفس الوقت يشبهون الطّيور الوحشيّة الكبيرة الجثة!

۹۵- عيّن الصحيح في ترجمة البيت الأوّل:

۱) أتوجّع من قلب محروق يشفق على الآخرين و الّذي قد نال سقمًا و مرضًا بعد شدّة تلك الوجعات المؤلمة الّتي رآها!

۲) وا حرّ قلبي و احتراقه بمن هو قليل الحسّ بارد لا يحفل بي و لا يقبل عليّ و أنا عنده عليل الجسم لفرط ما أُعاني و أُقاسي فيه!

۳) قلبان اِثنان (ما في الظّاهر و ما في الباطن) اللّذان كانا لا يشعران بشيء و هما يعتبانني مريضًا و عليلاً!

٤) الويل و الأمان لمن كان له قلب ينبض بالحرارة و الّذي يراني سقيماً و لا يجد فيّ خيرًا!

هـ (۹۶-۱۰۰)

إنّ «رولان بارت» من أصحاب فكرة موت المؤلّف يؤكّد أنّه لا معنى من دون بينصيّة. كلّ نصّ هو بينص. فإنّ التناصّ في نفس الوقت هو تأكيد للتمرّد التفكيكي على سلطة التفسير الواحد أو المعتمد. فهذا الكلام هو عكس ما نادت به البنيويّة من كلام على تماسك النصّ و انغلاقه، أو ما كان يتحدّث عنه في النقد التقليدي من أنّ النصّ وحدة متماسكة يمكن فهمه و السيطرة عليه. ولكن هذه الوحدة التماسكية تغاير عمّا كان في البنيوية لأنّها لا تغلق أبواب النص أمام المؤثرات.

و التفكيكي يعتقد أنّ القارئ في معزل عن قصديّة المؤلّف فاستبدلت قصديّة المؤلف بقصديّة القارئ و هو لا يقوم باكتشاف المعنى بل يعيد كتابة النصّ. قد يقول البعض إنّ هناك بضعة ضوابط تحكم تعامل الفرد مع النصّ و أبرزها أنّ أُفق توقّعات القارئ جزء من أُفق توقّعات الجماعة المفسّرة. و هذا ما يفتح الباب أمام فوضى التّفسير!

۹۶- ما المقصود من عبارة « لا معنى من دون بينصيّة»؟

۱) البينصيّة هي المعنى المتفرّد الّذي يخطر ببال القارئ.

۲) إختفى المعنى بين النّصوص فلا تجده موزّعًا بينها ألبتّة.

۳) لا يمكن فهم النصّ من دون الرجوع إلى النّصوص الّتي سبقته.

۴) البينصيّة تؤكد أنّ المعنى لا يوجد في ظواهر النّصوص بل في بواطنها.

۹۷- عيّن <u>الخطأ</u> عن التفكيكيّة و البينصيّة و البنيويّة:

۱) البنيويّة تغلق الأبواب على النصّ بخلاف التفكيكيّة و البينصيّة.

۲) هذه الثلاثة تشترك في قبول موت المؤلّف و غياب المعنى في النصّ.

۳) البنيويّة و التفكيكيّة تؤكّدان على عدم وجود التّماسك في نصّ واحد بخلاف البنيويّة.

۴) التّشابه بين الأُولى و الثانية أنّ كلتيهما تخالف التّفسير الواحد و أمّا الثالثة فهي صامتة عن ذلك.

۹۸- عيّن <u>الخطأ</u>:

۱) في النّقد التقليديّ إمكان تحديد المعنى و استيعابه في النصّ موجود.

۲) قصديّة المؤلّف تسبّب قبول قول القائلين باكتشاف المعنى بخلاف رفضها.

۳) تفسير النصّ عند التفكيكيّ لا يسبّب خلق معنى جديد يخالف عمّا كان عند القارئين.

۴) التّماسك النّصّي عند التقليديين يشابه ما يعتقد به الآخرون فإنّه يعني تطهير داخل النصّ من أيّ وجود أجنبيّ إلاّ نفس النصّ.

۹۹- من أسباب الفوضى في تفسير النص:

۱) إختيار التناصّ في عمليّة فهم النص.

۲) استبدال قصديّة المؤلّف بقصديّة القارئ.

۳) إدخال الجماعات المفسّرة للإدراك من النصّ.

۴) إحتساب توقّعات القارئ جزءًا من توقّعات الجماعة المفسّرة.

۱۰۰- عيِّن **<u>الخطأ</u>**: من تبعات قبول البينصيّة ......

۱) اِنزلاق المعنى و ضياعه.
۲) عدم وجدان المعنى الإبداعي.
۳) فقدان القراءة الوحيدة.
۴) لا يوجد النصّ المتفرّد المستقل.